

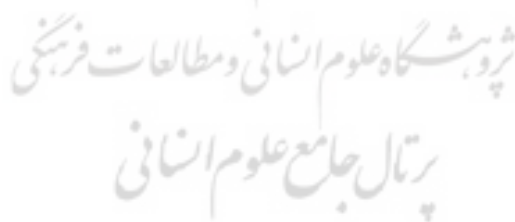
The role of the Iranian working class in supporting the imposed war in the narrative of the informants

Nowruz Hashemzahi¹ | rasoul yahai² | somayeh hashemzahi³

Abstract

In response to the imposed war, various segments of Iranian society, unified by a shared Islamic identity, were mobilized. This article explores the narratives of informants regarding the working class's role during the historical period from 1359 AH to 1367 AH. Employing a qualitative research approach and narrative analysis strategy, data were collected through open interviews based on theoretical saturation principles. The sample comprised 8 labor managers and activists from Islamic labor councils and workers' houses active during the war, supplemented by mediated interviews with 10 contemporary labor activists. Participants were chosen through purposive sampling, and thematic analysis was applied for data interpretation. The research's validity and accuracy were enhanced by interviewee verification of the interview texts and the exploration of negative cases or alternative explanations among other actors. Narratives revealed two central themes: "supporting the war" and "participating in the war." Additionally, seven fundamental themes were identified: workers' deployment to battlefields, dispatch of skilled workers to the frontlines, workers' role in stabilizing the revolution by managing security crises behind the front, involvement in military training, provision of technical support services to the front, financial and material contributions to the war effort, and logistical support from the workers. The revolution's intellectual orientation and leadership's focus on the oppressed and lower social strata were primary motivators for workers' support of the war during the first decade post-Islamic revolution.

Keywords: Islamic Labor Council, worker's house, working class, imposed war.



-
1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran East Branch, Tehran, Iran. Email: no_hashemzahi@yahoo.com
 2. Researcher in Social and Cultural Studies: Kandoukav Social Research Institute, Tehran, Iran. Email: b_safat@yahoo.com
 3. Assistant Professor in Basic Sciences: Department of Basic Sciences, Faculty of Basic Sciences, Islamic Azad University, Tehran East Branch, Tehran, Iran. Email: hashemzahi.s@yahoo.com

نقش طبقه کارگر ایران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی در روایت مطلعان^۱

نوروز هاشم‌زهی^۲ | رسول یاحی^۳ | سمیه هاشم‌زهی^۴

۹

سال پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۲/۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۸/۰۹

صص: ۱-۱۸

شاپا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



چکیده

برای مقابله با جنگ تحمیلی اقشار مختلف جامعه ایرانی با هویت مشترک اسلامی کنشگری داشتند. این مقاله به روایت مطلعان از نقش طبقه کارگر در مقطع تاریخی ۱۳۵۹ هجری شمسی تا سال ۱۳۶۷ می‌پردازد. رویکرد تحقیق کیفی و راهبرد آن تحلیل روایت است. داده‌ها به وسیله مصاحبه باز بر اساس اصل اشباع نظری، از نمونه‌ای به تعداد ۸ نفر از مدیران و فعالان کارگری، شوراها و کارگران و خانه کارگر که در دوران جنگ تحمیلی کنشگری داشتند و مصاحبه با واسطه با تعداد ۱۰ نفر از فعالان کارگری مطلع فعلی، بدست آمد. مشارکت کنندگان با نمونه‌گیری هدفمند مورد مصاحبه و گزینش قرار گرفتند. برای تجزیه و تفسیر داده‌ها از تحلیل مضمون استفاده شد. در آخر اعتباریابی و صحت نتایج پژوهش با بازبینی و تأیید متن مصاحبه به وسیله مصاحبه شونده‌ها، جستجو برای موارد منفی یا توضیحات جایگزین در میان سایر کنشگران، تقویت شد. از لابه‌لای متن روایت کنندگان نقش طبقه کارگر در جنگ، ۲ مضمون سازمان دهنده شامل «پشتیبانی از جنگ» و «مشارکت در جنگ» بدست آمد. همچنین ۷ مضمون پایه شامل: عزیمت کارگران به میادین رزم، اعزام کارگران ماهر به جبهه، نقش کارگران در تثبیت انقلاب با مشارکت در کنترل بحران‌های امنیتی پشت جبهه، مشارکت کارگران در آموزش نظامی، انجام خدمات پشتیبانی فنی از جبهه، حمایت مالی و پولی کارگران از جبهه، حمایت کالایی کارگران از جبهه، در روایت آنان شناسایی گردید. جهت‌گیری فکری انقلاب و رهبری به سمت مستضعفان و اقشار پایین جامعه از انگیزه‌های اساسی کارگران در حمایت از جنگ تحمیلی در دهه اول پس از انقلاب اسلامی بوده است.

کلیدواژه‌ها: شورای اسلامی کار، خانه کارگر، طبقه کارگر، جنگ تحمیلی.

DOR: 20.1001.1.25386328.1402.5.9.1.5

۱. این مقاله مستخرج از طرح برون دانشگاهی با مدیریت نویسنده مسئول و با حمایت موسسه کار و تأمین اجتماعی است.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق،

تهران، ایران، no_hashemzehi@yahoo.com

۳. پژوهشگر گروه اجتماعی و فرهنگی، موسسه تحقیقات اجتماعی کندوکاو، تهران، ایران، b_safat@yahoo.com

۴. استادیار گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق، تهران، ایران.

hashemzehi.s@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

جنگ تحمیلی به بهانه اختلافات مرزی میان ایران و عراق بر سر مالکیت آب‌های اروندرود، با اشغال مناطقی از سرزمین ایران و تخریب برخی مراکز اقتصادی و مسکونی از سوی رژیم تجاوزگر بعثی عراق آغاز شد. در این جنگ هر دو کشور فلج کردن توان و روحیه پیکار کنندگان و اقتصاد طرف مقابل را که بر فروش نفت خام متکی بود؛ هدف قرار دادند. با پایداری و مقاومت ایرانیان، رژیم بعث عراق در نهایت نتوانست به اهدافی که جنگ را برای رسیدن به آن‌ها شروع کرده بود دست یابد. ایران درگیر انقلاب هرچند با نابسامانی‌های ناشی از پیدایش هر انقلاب مواجه بود اما از ظرفیت‌های جدیدی برخوردار شده بود که از سوی قدرت‌های مقابل مورد محاسبه قرار نگرفته بود. این پایه‌ها و زمینه‌های جدید پیشبرد و تداوم جنگ از سوی ایران را می‌توان جاذبه ایدئولوژی دینی انقلابی، جامعه اسلامی، نفوذ روحانیت و شخصیت کاریزماتیک امام خمینی در اقشار مردم و سنت‌گرایی دینی نامید. از سوی دیگر می‌توان گفت ایران زمانی جنگ را به پایان رساند که نقش نیروها و طبقات اجتماعی در عزیمت داوطلبانه به میدان‌های نبرد و مشارکت در جنگ کاهش یافت و ظرفیت اقتصادی ایران، توانایی پذیرش طولانی‌تر شدن دوران جنگ را نداشت (دژپسند و رئوفی، ۱۳۸۷: ۷۰). این وضعیت نشان می‌دهد که آن پایه‌ها و زمینه‌های جدید در جامعه انقلابی در شرایطی توانست به موانعی در راه توسعه و پیشرفت پایدار و مانع تداوم جنگ تبدیل شوند. در این جنگ ایران بیش از عراق بر درگیر کردن مردم در جنگ و استفاده از نیروی داوطلب مردمی و کم هزینه اتکا داشت. بدیهی است که لایه‌های اجتماعی برای نقش‌آفرینی و کنشگری در جنگ باید آموزش می‌دیدند و توجیه و سازمان‌دهی می‌شدند و این فرایند به وسیله دستگاه‌های تعریف شده حکومتی و دینی انجام می‌گرفت. ایران توانست با حمایت و پشتیبانی مردم، ضمن حفظ تمامیت ارضی، جنگ را اداره و نظام سیاسی خود را با شاخص‌های انقلابی، دینی تثبیت کند، ولی دولت عراق در دستیابی به هیچ کدام از اهدافش موفق نبود و فقط وابستگی‌اش را در زمینه اقتصادی و خرید تسلیحات نظامی به قدرت‌های بزرگ بیشتر کرد (بیدگلی و قیصریان، ۱۳۹۸). گرچه پیدایش و تشکیل اغلب دستگاه‌های اداری غیرنظامی برای نیل به اهدافی غیرنظامی است اما در بحران جنگ همه سازمان‌ها و طبقات اجتماعی دارای نقش‌هایی در ارتباط با جنگ هستند. قشر کارگر یکی از این طبقات

است. در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۲۰/۵۶-۱۹۴۱، تعداد کارگران در کارگاه‌های بزرگ صنعتی (با ده کارگر یا بیشتر) از ۴۰۰۰۰ به ۷۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. در بیست سال پس از آن، صنعتی شدن شتاب بیشتری گرفت و تعداد کارگران صنعتی در کارگاه‌های بزرگ صنعتی به‌طور چشمگیری از ۷۰۰۰۰ به ۴۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافت. در سال ۱۹۷۶/۱۳۵۵، تقریباً ۲۵ میلیون کارگر مزدبگیر در بخش تولید و فعالیت‌های وابسته وجود داشت. از جمله ۷۵۰۰۰۰ نفر در صنعت، معدن و مشاغل وابسته و ۵۰۰۰۰۰ نفر در بخش ساختمان اشتغال داشتند و سه میلیون کارگر ساده بودند (اشرف و بنوعیزی، ۳۸۸). چگونگی کنشگری این حجم از نیروی اجتماعی کارگر در پشتیبانی و مشارکت در جنگ تحمیلی و پژوهش درباره آن و تحلیل و ثبت وقایع آن برای بهره‌گیری آیندگان سودمند و ضروری است. سهم و الگوی مشارکت کشاورزان، روستائیان، بازاریان، روحانیان، فرهنگیان، دانش‌آموزان، دانشگاهیان، زنان، دیوان‌سالاران و کارگران در جنگ تحمیلی و مقایسه عملکرد آن‌ها مسئله‌ای است که هم تاکنون مورد پژوهش دقیق قرار نگرفته و هم اهمیت و ضرورت دارد و مطالعات پراکنده و منفرد درباره آن‌ها و فراتحلیل این مطالعات در آینده تا حدودی می‌تواند خلأ موجود را پوشش دهد. برای مثال الگوی کنشگری زنان در جنگ تحمیلی در هفت مقوله شامل: آشپزی، تهیه و پخت غذا، توزیع آذوقه در مناطق جنگی، خیاطی، دوخت لباس برای رزمندگان، رخت‌شویی، لباس رزمندگان و ملحفه‌های بیمارستانی، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، نگهداری و محافظت از مهمات، ساخت سنگر گزارش شده است (جودکی، ۱۳۹۵).

تاکنون کوشش‌های پژوهشی اندکی درباره نقش کارگران در پشتیبانی از رزمندگان در هشت سال جنگ تحمیلی انجام شده است. از جمله طبقاتی که همواره در دوران جنگ عراق علیه ایران خوش درخشیده و حضور فعالی را به منصفه ظهور رسانده‌اند؛ کارگران بودند و بسیاری از این زحمت‌کشان، امروز در زمره شهدا هستند که برای دفاع از میهن با عزم راسخ به میدان نبرد با دشمنان پا گذاشتند و به مقام رفیع شهادت نائل شدند. علی‌رغم همه پژوهش‌های گذشته هنوز تحلیل و تصویر روشن و قابل‌اتکایی از نقش صنف کارگر در جنگ تحمیلی به ثبت نرسیده است و این تحقیق به این مسئله پاسخ می‌دهد که در روایت مدیران و کنشگران کارگری الگوی نقش کارگران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی چیست؟

ادبیات پژوهش

جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که قدمت آن به قدمت حیات بشر می‌رسد. شکل‌گیری این پدیده، متأثر از ویژگی‌های انسان همچون عقل، تفکر، تدبیر، تصمیم‌گیری، احساس، منافع، تمایل‌ها و مانند آن می‌باشد. در بر اساس نظرات اندیشمندان تضادگرا تنازع منافع و عدم حل آن از طریق مذاکره و زیاده‌طلبی برخی کشورها سبب بروز جنگ می‌شود (فیروزنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۶-۱۰۵).

طبقه کارگر جدید در ایران تحت تأثیر گسترش با غرب، پیروزی انقلاب مشروطه و بویژه پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه ظهور یافت. پس از تحکیم قدرت طبقات بالا در نتیجه انقلاب مشروطه، اندیشه‌های سوسیالیستی جاذبه بیشتری در بین طبقه کارگر کوچک ایران به‌ویژه در نواحی شمالی یافت. نخستین حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ تشکیل شد و کارگران و دهقانان ایران را به تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی و مبارزه اجتماعی دعوت کرد. فعالیت سیاسی طبقه کارگر در دهه ۱۳۲۰ با هدایت حزب توده ایران به اوج خود رسید. بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ و با سرکوب حزب توده، جنبش کارگری در ایران رو به افول رفت و خود حکومت به ایجاد اتحادیه‌های کارگری دولتی دست زد. در دهه ۱۳۴۰ دولت پهلوی به منظور جلب حمایت کارگران کوشش‌هایی در زمینه سهام کردن کارگران در ۲۰ درصد از سود کارگاه‌ها، تعیین حداقل دستمزدها و فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران انجام داد. بر طبق قانون کار مورخ ۱۳۴۲ تنها تشکیل اتحادیه‌های جداگانه مجاز بود و سندیکاها اجازه تشکیل فدراسیون نداشتند. کارگران بر طبق قانون کار حق مذاکره دسته جمعی داشتند ولی در عمل حکومت این کار را به جای آن‌ها انجام می‌داد. دولت شاه در دهه ۱۳۵۰ در واکنش به بحران‌های داخلی خود از طریق تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران دست به بسیج کارگری زد و به موجب قانون توسعه مالکیت صنعتی به فروش برخی سهام کارخانه‌های خصوصی و دولتی به کارگران پرداخت. در آستانه پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ کارگران به اعتصابات و فعالیت‌های سیاسی دست زدند و کمیته‌های کارگری تشکیل دادند که بعداً به شوراهای کارگری تبدیل شد. در دوران فعالیت حزب جمهوری اسلامی پس از انقلاب، شوراهای اسلامی به جای شوراهای کارگری قبلی مستقر شدند و فعالیت مستقل تشکلات کارگری پایان یافت (بشیریه، ۱۴۰۰: ۲۶). خانه کارگر تشکلی است که متولی ساماندهی شوراهای اسلامی کار شد که در مشارکت دادن کارگران در عرصه‌های سیاسی و جنگ دخالت داشت. بر

اساس برخی گزارش‌ها، در دوران جنگ تحمیلی حدود ۱۴ هزار نفر از کارگران شهید شدند. کارگران هم‌زمان هم در جبهه‌ها حضور داشتند و هم در تولید پایدار نقش آفرین بودند. در یک مثال، در کارخانه ذوب آهن اصفهان ۲۸۶ شهید و ۱۰۰ آزاده و جمع زیادی جانباز جنگ ثبت شده‌اند (رعیتی، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر در حوزه نقش اقشار و لایه‌های مختلف جامعه در جنگ تحمیلی فعالیت‌های قابل توجهی صورت گرفته که با این پژوهش ارتباط دارد، اما هیچ‌کدام از این تلاش‌ها به تحلیل و ثبت تاریخی و اسنادی مشارکت کارگران نپرداخته‌اند. از این جهت پژوهش حاضر از این پیشینه‌ها متمایز بوده و از نوآوری برخوردار است.

عبدالله حاجی صادقی (۱۳۸۵) نقش روحانیت در دفاع مقدس را کاوش کرده است. او به نقش مدیریتی، نقش ترغیب و دعوت‌گری، تقویت ایمان و قدرت معنوی رزمندگان، حضور در رزم و پیشتازی در جهاد و شهادت، ترویج ارزش‌های اخلاقی و آموزش دینی، حفظ روحیه جهادی در جامعه، پشتیبانی از دفاع مقدس، حفظ نیروها بعد از عملیات و کمک به فرماندهان و کنشگری روحی و مذهبی روحانیون در اردوگاه‌های اسیران ایرانی را تشریح کرده است.

جهان‌فر و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله مطالعه جامعه‌شناختی نقش ورزش و نهادهای ورزشی در ساختار جنگ به این نتیجه رسیدند که به رغم اینکه ورزش بر ساختار جنگ اثرگذار بود، ولی اثرگذاری نهادهای ورزشی در ساختار جنگ تحمیلی کم بوده است. اگرچه ورزش در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اثرگذار بود ولی نهادهای ورزشی نتوانستند به عاملی برای کاهش تنش و درگیری در این جنگ مبدل شوند. همچنین ورزش عاملی برای رونق جنگ و افزایش درگیری نظامی عراق و ایران محسوب نمی‌شود. بر اساس این پژوهش حضور ورزشکاران ایرانی در جبهه توانست منجر به افزایش انگیزه حضور مردم ایران در جنگ و حمایت اجتماعی از ادامه فرایند جنگ شود. مرتبط با این محور، هاشم زهی و همکاران (۱۳۹۹) در واکاوی تاریخی عملکرد سازمان تربیت بدنی ایران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی نشان دادند که سازمان تربیت بدنی با راه‌اندازی ساختارها و تشکل‌های سازمانی برای پشتیبانی جنگ، جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی به جبهه، تأمین و اعزام نیرو به جبهه‌ها، تخصیص امکانات و ورزشگاه‌ها و فضاهای

ورزشی به جبهه و جنگ، روحیه دادن از سوی قهرمانان ورزشی به رزمندگان و مردم در زمان جنگ، تشکیل کلاس‌های آموزشی برای رزمندگان و بازسازی فضاها و ورزشگاه‌های ورزشی آسیب دیده در اثر جنگ کمک کرده است

هاشم زهی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله تحلیل جامعه‌شناختی نقش آموزش و پرورش در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به این نتیجه رسیدند که وزارت آموزش و پرورش نسبت به تدوین مقررات و آئین‌نامه‌های آموزشی خاص زمان جنگ، تأسیس و فعالیت مجتمع‌های آموزشی رزمندگان در پشت جبهه و مناطق جنگی، ایجاد شرایط ادامه تحصیل و تشکیل کلاس‌های جبرانی و تقویتی دانش آموزان رزمنده، آموزش از طریق تلویزیون در دوران بمباران شهرها اقدام کرده است. مهم‌ترین کنش‌های دیگر این وزارتخانه اقدام به راه‌اندازی ستاد امداد و پشتیبانی جنگ، اعزام معلمان و دانش آموزان به جبهه، مشارکت در ایجاد استحکام و پناهگاه در مدارس و بازسازی مداوم مدارس بمباران شده بوده است. آنان نتیجه گرفتند که این وزارتخانه با مدیریت چالش‌های اخلاقی و عدالت‌بنیان آموزش در پشت جبهه به تقویت حمایت جامعه از جنگجویان عرصه نبرد کمک کرد و مناسبات آموزش و پرورش و جنگ تا حد زیادی بر مثبت شدن ارزش‌های فرهنگی جامعه و گسترش ایدئولوژی رهبران در دهه اول پس از انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت.

نتایج پژوهش هاشم زهی و یاحی (۱۴۰۱) در مقاله تجربه زیسته استناداران در مدیریت جهادی بحران جنگ تحمیلی نشان داد، ایدئولوژی برکنشگری استناداران در جنگ تأثیرگذار بوده است. تأمین ماشین‌آلات، تجهیزات، مهمات و تدارکات جنگ در تجربه زیسته استناداران گزارش شده است. اداره آوارگان و مهاجران و جنگ‌زدگان، تأمین مالی و تأمین خسارات و تخریب‌ها، تأمین امنیت نقاط بمباران و موشک‌باران شده، آموزش و اعزام نیرو، اطلاع‌رسانی به مردم و سلسله مراتب از تجربه زیسته استناداران در مدیریت بحران جنگ تحمیلی بوده است.

روش پژوهش

رویکرد این تحقیق کیفی و روش اصلی آن تحلیل روایت می‌باشد. پژوهش روایی روشی بین رشته‌ای است که به مطالعه چگونگی تجربیات متفاوت انسان‌ها از جهان پیرامون می‌پردازد (نوریان، ۱۳۹۶). ابزار اصلی جمع‌آوری داده «مصاحبه عمیق و ساختار نیافته» است ولی در مواردی

از کدگذاری اسناد مختلف یا ترکیبی از هر دو نیز استفاده می‌شود. در این پژوهش مصاحبه روایتی واقعه مدار یا اپیزودیک انجام شد (حریری، ۱۳۸۵)، (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵). بدین گونه که محورهای روایت از پیش تعیین شده اما جزئیات بر عهده روایت کننده بود.

فعالان کارگری دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ تحمیلی روایت-کنندگان پژوهش بودند که تعداد مدیران حدود ۳۰ نفر بودند. معیار تعداد نمونه از شرکت-کنندگان، تابع اشباع نظری داده‌ها بود. این روایت‌ها با ۸ نفر به اشباع نظری رسید. روش نمونه-گیری از مدیران نیز هدفمند بوده است. این روش متکی بر انتخاب آگاهانه روایت کننده‌های خاص توسط پژوهشگر می‌باشد. در کنار مصاحبه و اخذ روایت کنشگران کارگری از مصاحبه‌های انجام گرفته با ده نفر از مطلعان فعلی کارگری نیز داده‌ها استخراج گردید.

برای تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون استفاده شد. به منظور استخراج مضامین، در یک روند چرخه‌ای و انعطاف‌پذیر، کلیت داده‌ها روان‌سازی، پالایش، کدگذاری، تعدیل و در نهایت، کدهای باز و مقولات اصلی و فرعی احصاء و تشریح شد. روش پیشنهادی اترید-استرلینگ یکی از روش‌های متداول کدگذاری در تحلیل مضمون است. این روش مبتنی بر تشکیل شبکه مضامین^۱ است و در پژوهش‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. شبکه مضامین شامل سه دسته از کدها و مفاهیم است

۱. مضامین پایه^۲

۲. مضامین سازمان دهنده^۳

۳. مضامین فراگیر^۴

در آخر اعتباریابی و صحت نتایج پژوهش با بازبینی و تأیید متن مصاحبه به‌وسیله کنشگران کارگری، جستجو برای موارد منفی یا توضیحات جایگزین در میان سایر مدیران مطلع فعلی تقویت شد.

1. Thematic Network
2. Basic Themes
3. Organizing Themes
4. Global Themes

جدول (۱): معرفی کنشگران و مطلعان با واسطه کارگری

ردیف	نام و نام خانوادگی	پست یا سمت در دوران جنگ تحمیلی
۱	علی اکبر انجمنی	معاون پشتیبانی جنگ وزارت کار و امور اجتماعی
۲	عباس تقی پور	رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای وزارت کار و معاون تولید در صنایع دفاع
۳	سید حبیب عجاییبی	معاون امور اجتماعی وزارت کار
۴	احمد محمدعلی شریفی	معاون اداری و مالی وزارت کار و امور اجتماعی
۵	اصغر قامتی	مدیرکل امور اعزام به جبهه وزارت کار و امور اجتماعی
۶	علی اکبر عباسی	مسئول کانون هماهنگی انجمن اسلامی کارخانجات خانه کارگر
۷	محمد رضا سپهری	رئیس موسسه کار و تأمین اجتماعی و رزمنده دوران جنگ تحمیلی
۸	سبحان محمد علی نژاد	جانشین سازمان بسیج کارگری کشور و رزمنده دوران جنگ تحمیلی
۹	ابراهیم درستی (با واسطه)	عضو هیئت رئیسه و نماینده وزارت صمت در اتاق اصناف ایران
۱۰	مجتبی صفائی (با واسطه)	نائب رئیس دوم و سخنگوی اتاق اصناف ایران
۱۱	محمود بنانژاد (با واسطه)	خزانه‌دار و عضو هیئت ریس اتاق اصناف ایران
۱۲	سعید ممبینی (با واسطه)	رئیس اتاق اصناف ایران
۱۳	جلال‌الدین محمد شکریه (با واسطه)	نایب‌رئیس اول اتاق اصناف ایران
۱۴	رسول جهانگیری (با واسطه)	عضو هیئت رئیسه اتاق اصناف ایران
۱۵	اصغر طاهری پور (با واسطه)	نماینده اتاق اصناف ایران در استان آذربایجان غربی
۱۶	یونس حواسیان (با واسطه)	نماینده اتاق اصناف ایران
۱۷	عباس رمدانی (با واسطه)	نماینده اتاق اصناف ایران در استان مازندران
۱۸	خدایی مهر، مهدی (با واسطه)	روابط عمومی اتاق اصناف ایران.

یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، الگوی مضمونی روایت مطلعان و فعالان کارگری از نقش کارگران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی در چندین محور دسته‌بندی و ارائه شده که در جدول زیر مندرج است. جدول (۲): نتایج کدگذاری نقش طبقه کارگر در پشتیبانی از جنگ تحمیلی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
نقش طبقه کارگر در جنگ تحمیلی	مشارکت کارگران در جنگ	عزیمت کارگران به میادین رزم
		اعزام کارگران ماهر به جبهه
		مشارکت کارگران در تثبیت انقلاب
		مشارکت کارگران در آموزش نظامی
	پشتیبانی کارگران از جنگ تحمیلی	انجام خدمات پشتیبانی فنی از جبهه
		حمایت مالی و پولی کارگران از جبهه
		حمایت کالایی کارگران از جبهه

برای تحلیل داده‌های ناشی از مصاحبه با مطلعان و فعالان کارگری از تحلیل مضمون استفاده شد. در روایت مطلعان از نقش کارگران در جنگ، ۲ مضمون سازمان دهنده شامل «پشتیبانی از جنگ» و «مشارکت در جنگ» بدست آمد. همچنین ۷ مضمون پایه در روایت فعالان کارگری شناسایی گردید، که جزئیات آن‌ها در جدول مضامین ۲-۴ قابل مشاهده است.

۱- مضمون مشارکت کارگران در جنگ

عزیمت کارگران به میادین رزم: بر اساس روایت انجمنی، اواخر سال ۶۴ بیشتر اعزام‌هایی که انجام می‌شد از کارخانجات بود. در تهران چون بسیج کارگری اعزام زیاد داشت به اسم پایگاه بسیج کارگری بود و مستقیماً تحت نظر بسیج مرکزی اداره می‌شد. وقتی که می‌گفتند تهران باید ۵۰۰۰ نفر اعزامی داشته باشد، ۵۰۰ نفر سهم بسیج کارگری بود. کارگران باید دو ماه در جبهه می‌ماندند.

عباسی می‌گوید، زمانی که من به کانون انجمن‌های اسلامی آمدم، اولین کاری که با هماهنگی بسیج کارگری اهواز کردیم، یک گردان رزمنده به جبهه فرستادم.

علی نژاد روایت کرد؛ با شروع جنگ ابتدا ارتش و مزدداران باید ورود می‌کردند و از مرزها دفاع می‌کردند ولی این وضعیت وجود نداشت و شرایط اول جنگ طوری بود که نه ارتش منسجمی داشتیم نه مزدداران منسجمی، گرچه تحرکاتی گزارش شده بود اما نه نیروهای مسلح سازماندهی شده‌ای داشتیم و نه فرماندهی مناسبی و این باعث شد که دشمن هجوم کرد، مردمی که در مرز بودند مقاومت کردند و جلوی دشمن را تا حدودی گرفتند. رهبر مملکت بسیج عمومی اعلام کرد. بسیج عمومی یعنی دعوت همه اقشار. همه اقشار وارد جنگ شدند و به‌طور متحد هشت سال دشمن را بیرون راندند و آن وعده‌ای که صدام داده بود که یک هفته‌ای بیاید تهران در هشت سال هم نتوانست یک وجب از خاک ما را بگیرد! در این هشت سال یکی از اقشاری که نقش خیلی مهمی داشته است و خیلی جاها مغفول مانده است جامعه کارگری و جامعه صنعت و تولید بود. کارگران در جنگ در رده‌های مختلف حضور داشتند یعنی از رده تک تیراندازی که پشت خاک‌ریز ایستاده و تیراندازی می‌کند تا رزمنده‌ای که مین خنثی می‌کند و روی مین می‌رود گرفته تا خاک‌ریز زدن و سنگر سازی و پل زدن و جاده‌سازی و ... تا رده‌های بالای فرهنگی... ما در جنگ فرمانده تپ داشتیم که یک کارگر ساده بود. فرمانده لشکر داشتیم که قبل از اینکه وارد جنگ بشود یک حلب زن بوده است، نجار بوده است؛ اما وقتی وارد جنگ می‌شود نبوغ خود را نشان می‌دهد و تا مرحله فرمانده لشکری پیش می‌رود. کارگر داشتیم که فرمانده گردان، فرمانده گروهان، فرمانده محور، فرمانده اطلاعات عملیات و ... بوده‌اند.

اعزام کارگران ماهر به جبهه: انجمنی اظهار می‌دارد، جهاد از ما نیروی رزمنده نمی‌خواست بلکه نیروی ماهر، مثل راننده لودر، گریدر، جوشکار، تراشکار و غیره می‌خواست. در اعزام نیرو اول نیروهای ماهر، بعد نیروهای رزمی و فنی اعزام می‌شدند. مثلاً آتش چاه نوروز را در سال ۶۱ یکی از کارگران حوزه نفتی به نام محمدتقی ابوالحسنی که از ورامین بود خاموش کرد.

مشارکت کارگران در تثبیت انقلاب: علی نژاد می‌گوید؛ قبل از دفاع مقدس گروه‌هایی بودند که در روستاها برای لوله‌کشی آب می‌آمدند در حالی که قبل از آن در بسیاری از شهرها لوله‌کشی آب نبود همچنین برای ساخت مدرسه و مسجد و حمام و...؛ این‌ها حرکتی بود که شروع شده بود برای محرومیت‌زدایی کشور اما جنگ اجازه آن را نداد و همان‌طور که می‌دانید در اکثر بازوی اجرایی این کارها باید قشر کارگری وارد می‌شد. مثلاً لوله‌کشی را کارگر باید انجام

می‌داد. ساختن حمام ساختن خانه و... را باید جامعه کارگری وارد می‌شد و ایفای نقش می‌کرد و اکثر این مسائل هم رایگان بود یعنی فرد می‌آمد و کمک رایگان می‌داد، در واقع کارگران در بسیاری از این موارد برای حل مشکلات مردم به صورت رایگان وارد می‌شدند تا انقلاب به تمام مناطق محروم نفوذ پیدا کند و مردم آنجا هم از آن بهره‌مند بشوند.

روایت انجمنی حاکی است، در دهه ۶۰ که ضداقلاب در داخل تهران کشتار می‌کردند و خیابان طالقانی و خیابان فلسطین را به خاک و خون کشیده بودند بسیج کارگری سازمان‌دهی شد و کارگران با موتور برای مقابله به خیابان‌ها می‌ریختند. همچنین توسط آرایشگاه‌های زنانه، ضد انقلاب و شبکه‌های فساد اخلاقی شناسایی می‌شدند.

عباسی می‌گوید، یکی از کارهایی که در پارس خودرو انجام دادم، این بود که در سال ۱۳۵۹ زمان درگیری کردستان، بهداری پارس خودرو را با آمبولانس و با کل خدمه به شهرستان مهاباد بردیم. آنجا علاوه بر اینکه به رزمندگان و سپاهیان خدمات پزشکی می‌دادیم، روزها در قسمت‌های فقیرنشین شهر و روستاها، مردم را درمان می‌کردیم.

مشارکت کارگران در آموزش نظامی: قامتی می‌گوید، در این مدت یک بخش از اقدامات ما پشتیبانی و حمایت از جبهه‌ها بود و یک بخش هم آموزش بود. در سال ۵۸ که امام فرمان تشکیل ارتش بیست میلیونی را دادند، در شرکت ایران خودرو کار می‌کردم، در آنجا از طریق انجمن اسلامی، پایه‌های شکل‌گیری بسیج کارخانجات ایجاد شد. بخش یا شعبه‌ای از انجمن اسلامی کارخانه‌ها بسیج بود. بعدها سپاه تشکیل شد و بخش بسیج کارخانه‌ها از انجمن اسلامی جدا شد و زیر مجموعه سپاه قرار گرفت. وقتی که فرمان ارتش بیست میلیونی داده شد، یک مکانی که الان در پشت ایران ناسیونال یا همان ایران خودرو قرار دارد و فکر می‌کنم حوزه ۱۴ باید باشد، روز اول ما آنجا را به‌عنوان مکانی برای سازمان‌دهی و پشتیبانی بچه‌های بسیج گرفتیم و ثبت‌نام در بسیج را برای کارگران انجام می‌دادیم. در منطقه ۲۲ پارک جنگلی و پارک چیتگر کلاً دست ما بود. میدان تیر ما هم همین دانشکده نیروی انتظامی که پشت دهکده المپیک است، بود. از دهکده المپیک تا کرج دست ما بود، رزم شبانه‌های ما در پادگان پرنده بود. پادگان پرنده و رودخانه شور، برای آموزش بچه‌ها در اختیار ما بود، از خود بچه‌ها کمک می‌گرفتیم. سر ماه با

حقوقی که می‌گرفتم، چهار الی پنج حلب پنیر ۱۷ کیلویی می‌گرفتم و روزی ۵۰۰ نفر را آموزش می‌دادیم. ما ۲۰۰ هزار کارگر بسیجی آموزش دادیم و روزی ۵۰۰ نفر آموزش داشتیم.

۲- مضمون پشتیبانی کارگران از جنگ تحمیلی

انجام خدمات پشتیبانی فنی از جبهه: شریفی گفته است، زمانی که آقای سرحدی زاده وزیر کار بود، آقای محسن رضایی با بعضی از مسئولین سپاه به وزارت خانه آمد و گفت، یک نفر وقتی می‌جنگد باید ۸ نفر پشت سرش پشتیبانی کنند، ما الآن به جایی رسیدیم که رزمندگان خدمات پشتیبانی نیاز دارند. آقای سرحدی زاده خواست ترتیبی بدهد که هم از جنبه کارگری و هم از جنبه کارکنان، در قسمت پشتیبانی فنی و مهارتی، وزارتخانه به جبهه کمک کند. جلسه شورای معاونین تشکیل شد و ما تصمیم گرفتیم که برنامه‌ای ترتیب دهیم تا هر ۴۵ روز از کارکنان وزارت کار برای خدمات پشتیبانی رزمنده‌ها به جبهه اعزام داشته باشیم.

عباسی می‌گوید، انقلاب که پیروز شد انجمن اسلامی را به طور رسمی تشکیل دادیم، در شرکت پارس خودرو اوایل یک واحدی به نام جهاد سازندگی تأسیس کردیم. انجمن و جهاد خودجوش بود. جهاد ماشین‌های پادگان‌های ارتش که در اثر انقلاب صدمه دیده بود و از کار افتاده بود را تعمیر می‌کرد، یا مثلاً برای مدارس که میز و صندلی نداشتند این امکانات را می‌فرستادیم و یا میز و صندلی آن‌ها را تعمیر می‌کردیم. بیمارستان فیاض بخش را ما ساختیم. دفتر جهاد بعدها که جنگ شروع شد یک گروه تعمیرگاهی در اندیمشک تشکیل داد که تا بعد از جنگ هم فعال بود. این گروه، کل ماشین‌های آسیب دیده شهر و ماشین‌های رزمنده‌ها را در تعمیرگاه تعمیر می‌کرد. آنجا به تعمیرگاه پارس خودرو معروف بود و مسئولیت آن با پدر شهید مجید حیدر زاده بود و همه خدماتش رایگان بود و افراد گروه از پارس خودرو حقوق می‌گرفتند.

انجمنی گفته است، اعزام‌های ما از ورزشگاه ایران خودرو بود. محسن رفیق دوست وزیر وقت سپاه را به آنجا بردیم و آقای بهزاد نبوی به‌عنوان وزیر صنایع سنگین و آقای سرحدی زاده به‌عنوان وزیر کار هم بود. از آن‌ها خواستیم که شما برای جنگ چه کاری می‌توانید انجام دهید و مدیران کارخانه نشستند و چند روز طول کشید طرحی دادند و گفتند ما برای شما می‌توانیم قبضه خمپاره بسازیم. کارگرا دو و سه شیفت کار می‌کردند و پل خیبری و کارهای فنی که اتفاق افتاده است را کارگرا و دولت انجام دادند.

عباسی گفته است، وزارت کار با ما همکاری تنگاتنگ داشت. در وزارت صنایع سنگین بهزاد نبوی، مسئول اجرایی جنگ بود و بدون استثنا به کارخانه‌ها می‌رفت و تمام تراشکاری‌ها و... را در اختیار جنگ قرار داده بود و برخی کارخانه‌ها گلوله خمپاره‌ها را می‌تراشیدند. قطعات پل خیبر و... کار ایشان بود.

علی نژاد؛ پل‌های حساسی که در عملیات‌های مختلف از جمله عملیات خیبر استفاده شد از خلاقیت‌های بخش تولید و صنعت ماست. پل‌های شناور که با عبور تانک از روی این پل‌ها دشمن اصلاً فکرش را نمی‌کرد بتوانیم از این طریق ترابری داشته باشیم. ساخت قایق‌هایی که در نبردهای دریایی موازنه را به نفع ما تغییر داد. عملیات‌هایی مانند خیبر در منطقه جزایر مجنون و حورالعظیم برای عبور رزمنده‌ها توسط قایق‌هایی که کارگران و صنعتگران ساخته بودند پیروز شدیم.

حمایت مالی و پولی کارگران از جبهه: بر اساس گفته عباسی، در یک اقدامی خودجوش از سوی بخش کارگری، اکثر کارخانجات و کارگرها حداقل یک روز از حقوق خود را به جبهه کمک می‌کردند و کمک‌های نقدی و غیر نقدی کارگرها را جمع می‌کردیم و به‌طور متوسط ماهی یک کاروان به جبهه‌های جنگ اعزام می‌کردیم.

حمایت کالایی کارگران از جبهه: عباسی می‌گوید، در دفتر جنگ یک واحد خیاطی تشکیل دادیم که پشه‌بند و جلیقه نجات می‌دوختیم، کار تولیدی هم می‌کردیم. موتور، ماشین و هر چیزی که ما پولش را به سپاه می‌دادیم و سپاه به ما می‌داد به جبهه می‌فرستادیم. عجایی گفته است، وزارت کار تعداد زیادی جیب داشت و بازرسی‌ها را با جیب انجام می‌داد، در عملیات مرصاد که منطقه‌ای تپه‌ای و کوهستانی بود، ما ۳۰ الی ۴۰ دستگاه جیب برداشتیم و آنجا رفتیم و پایگاه درست کردیم. پایگاه تغذیه‌ای درست کردیم که آقای شریفی معاون اداری و مالی از تهران امکانات می‌فرستاد و ما آنجا بخش می‌کردیم. یک بار با آقای شریفی به‌عنوان معاون وزارت کار به منطقه عملیاتی برای کمک رفتیم.

نمودار مضامین روایت مطلعان از نقش کارگران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی



بحث و نتیجه گیری

یکی از مؤلفه‌های اصلی مدیریت جنگ و تثبیت نظام سیاسی پس از انقلاب جاذبه ایدئولوژی و هویت اسلامی برای جمعیت شهری و روستایی و به‌ویژه کارگران بود. جامعه توده‌ای پس از انقلاب خصلت ایدئولوژیک یافت. در کارگاه ایدئولوژیک انقلاب اسلامی افکار و عقاید توده‌ها شبیه‌سازی و یکسان‌سازی شد. هویت قومی و طبقاتی و محیطی و اجتماعی تضعیف و با قویت هویت توده‌ای، بسیج کارگران آسان‌تر گردید. کارگران در جهت مصالح انقلاب و جنگ فعال شدند و تأکید بر مفاهیم برادری، اخوت اسلامی و تعلق به امت واحده و استفاده از خصلت‌های رمانتیک مذهبی از سرگشتگی و گسیختگی لایه‌های اجتماعی جلوگیری کرد. هر فرد جامعه انسان متعهد و مطبوعی برای نظام بود که قطره‌ای از توده‌های وفادار را تشکیل می‌داد. عشق به ارزش‌های فرهنگی انقلاب و رهبر، توده‌های گسیخته را به هم پیوند می‌زد و همبستگی و وجدان جمعی مکانیکی جدیدی به وجود آمد که از شکل‌گیری جدی تمایزات و اختلافات گروهی جلوگیری نمود. بدین ترتیب کارگران هم‌کیش و هم‌فکر روستائیان و عشایر و اصناف و

معلمان و نظامیان و روحانیان و دانش آموزان و فرهنگیان و دانشگاهیان شدند و همه به سوی هدف واحد به حرکت درآمدند. مدیران توانستند در جهت ارتقا و تثبیت امنیت در بحران جنگ و سایر بحران‌های امنیتی موفق شوند. مدیران متوجه وسیع‌ترین منبع ممکن یعنی توده‌ها برای حمایت از انقلاب اسلامی شدند. کارگران ظرفیت بالایی برای پشتیبانی مردمی از جنگ در اختیار داشتند. طبقه کارگر جدید در ایران تحت تأثیر گسترش با غرب، پیروزی انقلاب مشروطه و به‌ویژه پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه ظهور یافت. پس از تحکیم قدرت طبقات بالا در نتیجه انقلاب مشروطه، اندیشه‌های سوسیالیستی جاذبه بیشتری در بین طبقه کارگر کوچک ایران بویژه در نواحی شمالی یافت. نخستین حزب کمونیست ایران در سال ۱۲۹۹ تشکیل شد و کارگران و دهقانان ایران را به تشکیل اتحادیه‌های کارگری و دهقانی و مبارزه اجتماعی دعوت کرد. فعالیت سیاسی طبقه کارگر در دهه ۱۳۲۰ با هدایت حزب توده ایران به اوج خود رسید. بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ و با سرکوب حزب توده، جنبش کارگری در ایران رو به افول رفت و خود حکومت به ایجاد اتحادیه‌های کارگری دولتی دست زد. در دهه ۱۳۴۰ دولت پهلوی به منظور جلب حمایت کارگران کوشش‌هایی در زمینه سهم کردن کارگران در ۲۰ درصد از سود کارگاه‌ها، تعیین حداقل دستمزدها و فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران انجام داد. بر طبق قانون کار مورخ ۱۳۴۲ تنها تشکیل اتحادیه‌های جداگانه مجاز بود و سندیکاها اجازه تشکیل فدراسیون نداشتند. کارگران بر طبق قانون کار حق مذاکره دسته‌جمعی داشتند ولی در عمل حکومت این کار را به جای آن‌ها انجام می‌داد. دولت شاه در دهه ۱۳۵۰ در واکنش به بحران‌های داخلی خود از طریق تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران دست به بسیج کارگری زد و به موجب قانون توسعه مالکیت صنعتی به فروش برخی سهام کارخانه‌های خصوصی و دولتی به کارگران پرداخت.

در نهایت آموزه‌های مدیریتی جنگ تحمیلی، مؤلفه‌ی محوری و استمرار بخش تاریخ ایران است که باید حفظ و بازتولید شود و به نسل‌های بعد انتقال یابد تا مبنای ارتقاء قدرت ملی، بازدارندگی ملی، پایداری ملی، توسعه بالندگی و از همه مهم‌تر تجهیز و طی نمودن نقشه راه بلندمدت ایران باشد.

تجربه مدیریت بحران‌های داخلی و جنگ تحمیلی به صورت انقلابی و با تکیه بر حفظ رضایت و پشتیبانی مردم پدیده متفاوتی از جنگ‌های رسمی و کلاسیک قرن بیستم هست که باید مورد پژوهش و مذاقه قرار گیرد. الگوی عملکرد و کنشگری تشکلهای کارگری از جهت پشتیبانی عمومی از جنگ تحمیلی با سایر طبقات و دستگاه‌های اداری وجه اشتراک دارد و نتایج این

تحقیق از این جهت با تحقیق هاشم زهی و همکاران (۱۳۹۹ و ۱۴۰۱)، حاجی صادقی (۱۳۸۵)، جهان فر و همکاران (۱۴۰۱) در وزارت ورزش و وزارت آموزش و پرورش و قشر روحانی و استانداران همسانی دارد؛ اما دستگاه‌های اداری در سایر وجوه تخصصی هم در جنگ تحمیلی مشارکت داشتند که با نتایج این پژوهش ناهمسان است. نظام حکمرانی بر اساس الگوی بومی و متکی به روابط افقی از ویژگی‌های کنشگری دولتمردان جنگ تحمیلی است که می‌تواند به‌عنوان یک الگو مورد عمل قرار گیرد.

علاوه بر آن حوزه دفاعی در جنگ‌های آینده به‌واسطه فناوری‌های نوپدید، عملیات ترکیبی و بسیار پیچیده، مبهم، دارای عدم قطعیت و پویا است. پاسخگویی به شرایط جدید نیازمند تصمیم و عکس‌العمل سریع در برابر شرایط متغیر محیطی می‌باشد. در آینده تحولات مهمی در حوزه دفاع و جنگ در اثر توسعه فناوری زیستی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فناوری نانو و علوم شناختی به وجود خواهد آمد. گسترش هوش مصنوعی در حوزه‌های مختلف جنگ و دفاع، نفوذ گسترده‌ی روبات‌ها در زندگی روزمره و حوزه جنگ‌ها و دفاع آینده، تولید رایانه‌های زیستی یا مصرف داروی هوشمند. این حوزه، نوآوری‌هایی هستند که دانشمندان و شرکت‌های گوناگون در اقصا نقاط جهان به‌طور فعال بر روی آن‌ها فعالیت می‌کنند تا آن‌ها را محقق نمایند. این تغییرات دارای توان بالقوه‌ی اثرگذاری عمیق بر شیوه‌ی جنگ و دفاع می‌باشند. علاوه بر نرخ بالای تغییرات دفاعی متأثر از عرصه علم و فناوری، اجتماع و فرهنگ نیز به‌عنوان زمینه‌ی توسعه‌ی علم و فناوری، قدرت نرم و قدرت دفاعی آستن دگرگونی‌های غافلگیرکننده‌ای است. انسان امروزی با دنیای پویا، غیرقطعی، پیچیده و مبهم مواجه است و نیازمند رویکردها، الگوها و روش‌های متناسب با این شرایط می‌باشد. در محیط سرشار از تغییر و بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، تنها رویکرد و سیاستی که احتمال کسب موفقیت‌های بیشتری دارد، تلاش برای معماری آینده است. با عنایت به پیچیدگی، ابهام، سرعت تغییرات و عدم قطعیت محیطی و تأثیر تحولات بر حوزه دفاعی و لزوم شناخت محیط و آینده‌های بدیل، لازم است رویکردی علمی و مبتنی بر پارادایم‌های متناسب با محیط‌های پیچیده و آشوبناک، بر نظام طرح‌ریزی دفاعی حاکم گردد و نداشتن رویکرد علمی و روشمند مدون و مناسب، منجر به سردرگمی و غافلگیری تصمیم‌گیران و افزایش هزینه‌های مادی و معنوی ناشی از اطلاعات آشفته و تحلیل‌های موردی یا تصمیمات مقطعی و بخشی یا موضع‌گیری‌های گسسته و معطوف به حال می‌شود.

فهرست منابع

- اشرف، احمد، بنوعزیزی، علی (۱۳۸۸)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، مترجم: سهیلا ترابی فارسانی، ناشر: نیلوفر
- بشیریه، حسین (۱۴۰۰)، دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بیدگلی، سید محمود سادات، قیصریان فرد، هادی (۱۳۹۸)، تحلیل و ارزیابی پایان جنگ ایران و عراق، گنجینه اسناد سال بیست و نهم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱۵).
- جهان فر، رضا. مرادیان، محسن. قاسمی، عاصمه (۱۴۰۱)، مطالعه جامعه‌شناختی نقش ورزش و نهادهای ورزشی در ساختار جنگ (نمونه موردی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، دوره ۸، شماره ۱، صفحه ۶۱-۸۴.
- جودکی، محمدعلی (۱۳۹۵)، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵)، نقش روحانیت در دفاع مقدس، فصلنامه پیام، شماره ۷۷.
- حاجیان پور، حمید. تاجداری، زینب (۱۳۹۲)، جایگاه اصناف در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران از دوران صفویه تا انقلاب اسلامی، فصلنامه پارسه، سال ۱۳، شماره ۲۰.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حسن پور، غلامرضا (۱۴۰۱)، معرفی کتاب‌های شاخص درباره نقش بازاری‌ها و اصناف در دفاع مقدس: گفت‌وگوی ایبنا با رئیس سازمان بسیج اصناف؛ خبرگزاری کتاب ایران، یکم تیرماه ۱۴۰۱.
- خدایی مهر، مهدی. علی‌آبادی، الهام. پورزکی، مژده. لطفی، یوسف (۱۳۹۹)، ویژه‌نامه نقش اصناف در دفاع مقدس، تهران: مدیریت روابط عمومی اتاق اصناف ایران.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۵)، اصول و مبانی روش‌های کیفی: رویکردی نو و کاربردی، تهران: نگاه دانش.
- داودی، آرش (۱۳۹۶)، کتاب حماسه جاوید (نقش راه‌آهن در هشت سال دفاع مقدس)، برگرفته از پرتال جامع اطلاعات تخصصی صنعت حمل و نقل. ناشر الهام گودرزی. کد مطلب: ۱۰۸۳۷۸.
- دژپسند، فرهاد. رئوفی، حمیدرضا (۱۳۸۷)، اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی، تهران، چاپ دوم، مرکز اسناد دفاع مقدس (مطالعات و تحقیقات جنگ).
- رعیتی، علی حسین (۱۳۹۹)، ضرورت تبیین نقش کارگران در دوران دفاع مقدس، درگاه خبرگزاری صداوسیما، کد خبر ۲۸۷۹۱۶۶ ن

- عابدی، حیدرعلی (۱۳۸۹)، کاربرد روش تحقیق پدیده‌شناسی در علوم بالینی، فصلنامه راهبرد/ سال نوزدهم/ شماره ۵۴/ بهار ۱۳۸۹/ صص ۲۲۴-۲۰۷
- عابدی، زیبا؛ کشاورز شکری، عباس (۱۳۹۶)، زمینه و بسترهای فکری، ساختاری و کارگزاری ایجاد سازمان کمیته‌های انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱- شماره پیاپی ۱۱. صفحه ۱۲۳-۱۴۸.
- فیروزنیا، قدیر. جاسمی، الهام. قرنی آرای، بهروز (۱۳۹۵)، تأثیر جنگ تحمیلی بر روند رشد و توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۷.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲ الف)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲ ب)، روش تحقیق کیفی ضد روش ۲ (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- نوریان، محمد (۱۳۹۶)، راهنمای عملی پژوهش روایی: همراه با فعالیت‌های کارگاهی. بازیابی در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۵ از نشانی: <http://www.shorapub.ir/picture/ravayi.pdf/۲۰/pazhoohesh>
- هاشم زهی، نوروز؛ یاحی، رسول (۱۴۰۱)، تجربه زیسته استناداران در مدیریت جهادی بحران جنگ تحمیلی در راستای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مجله سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۴۰۱.
- هاشم زهی، نوروز؛ یاحی، رسول و اصغر، انسیه (۱۳۹۹)، واکاوی تاریخی عملکرد سازمان تربیت بدنی ایران در پشتیبانی از جنگ تحمیلی، مطالعات فرهنگی - اجتماعی المپیک، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۷۱
- هاشم زهی، نوروز؛ یاحی، رسول و اصغر، انسیه (۱۴۰۱)، تحلیل جامعه‌شناختی مناسبات نظام آموزشی و جنگ، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناختی، شماره ۵۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی